

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا

سال دهم، شماره ۲، ۱۳۹۲، پیاپی ۲۰

روابط بینامتنی قرآن با خطبه‌های نهج البلاغه

سید مهدی مسبوق^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۰

تاریخ تصویب: ۹۱/۳/۲۷

چکیده

متن‌های گوناگون از دیرباز، با یکدیگر ارتباطی بینامتنی داشته و از نظر زبانی، وزنی و معنایی بر یکدیگر اثر گذاشته و از هم اثر پذیرفته‌اند. اگرچه این ارتباط از گذشته مطرح بوده است و تبادل کلام هنری را در بسیاری از آثار گذشتگان می‌بینیم، در دوره معاصر، میخائیل باختین، اندیشمند روسی، بار دیگر، مقوله بینامتنی را از دیدگاهی نو بررسی کرده و کسانی همچون ژولیا کریستوا، رولان بارت و هارولد بلوم، تحت تأثیر باختین، به این مسئله پرداخته‌اند. براساس نظریه بینامتنی، هر متن برپایه متونی که پیشتر خوانده‌ایم، معنا می‌دهد و بر رمزگانی استوار است که پیشتر شناخته‌ایم. پیوند ناگسستنی مفاهیم نهج البلاغه و قرآن کریم، از ژرفایی بسیار برخوردار است و به روساخت، محدود نمی‌شود؛ بلکه در سطح ژرف ساخت، پیوندی عمیق میان این دو کتاب برقرار است؛ به طوری که در بسیاری از موارد،

۱. دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان smm.basu@yahoo.com

درک دقیق معنای موردنظر امام (ع) جز از طریق آشنایی با متن پنهان و شناخت چگونگی رابطه این دو کتاب با یکدیگر میسر نیست. با خوانش دقیق خطبه‌های نهج البلاغه، به این نتیجه می‌رسیم که بیشترین شکل روابط بینامتنی قرآن با خطبه‌های نهج البلاغه، به صورت نفی متوازی است که در آن، امام (ع) توانسته است نوعی سازش میان متن پنهان و متن حاضر ایجاد کند و تعاملی آگاهانه با آن پدید آورد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، نهج البلاغه، متن حاضر، متن غایب، رابطه بینامتنی.

۱. مقدمه

بینامتنیت، نظریه‌ای است که در ابتدایی‌ترین شکل آن، رابطه دو کلمه، و در پیچیده‌ترین و عمیق‌ترین شکلش، رابطه دو متن را با یکدیگر بررسی می‌کند. تازگی این نظریه، تعریف آن را دشوار کرده است؛ اما ساده‌ترین تعریف را ژولیا کریستوا، ناقد فرانسوی بلغاری تبار قرن بیستم، بدین صورت به‌دست داده است که هر متنی برگرفته و تحولی از بسیاری از متون دیگر است. (موسی، ۲۰۰۰م: ۵۱ و ۵۲). پژوهشگران عرب اصطلاحاتی متعدد و مترادف را برای این مفهوم پیش‌نهاد کرده‌اند؛ از جمله: التناسیه، النصوصیه، تداخل النصوص، النصوص المتداخلة و النص الغایب. درمقابل آن، النص الراهن، النص الحاضر و... قرار می‌گیرد (عطا، ۲۰۰۷م: ۱۱).

با نگاهی به خطبه‌های نهج البلاغه درمی‌یابیم این خطبه‌ها با مفاهیم و تعبیرهای والای قرآن به‌عنوان میراث دینی و ادبی جامع، تعامل و پیوندی عمیق یافته است؛ به‌گونه‌ای که امام (ع) از واژگان، تعبیرها و مفاهیم قرآنی، به‌صورتی گسترده استفاده کرده و این مسئله باعث جذابیت، عمق معنایی و تأثیرگذاری کلام ایشان شده است. کارکرد آیه‌های قرآنی در این خطبه‌ها، به‌صورت اقتباس کامل و گاه به‌صورت جزئی، متغیر یا اشاره‌ای و مضمونی بوده که در نوشتار حاضر، به انواع این رابطه‌ها و تحلیل آن‌ها براساس نظریه بینامتنی می‌پردازیم.

۲. پیشینه پژوهش

بازتاب مفاهیم و تعبیرهای قرآنی در نهج البلاغه، چنان گسترده است که تقریباً همه شرح‌ها و ترجمه‌های نوشته‌شده درباره نهج البلاغه، به این اقتباس‌های قرآنی در نهج البلاغه پرداخته‌اند. اخیراً نیز مقاله‌ای به قلم حمید عباس‌زاده با عنوان «اقتباس‌های قرآنی در نهج البلاغه» نوشته شده و در فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره یکم، بهار ۱۳۸۹ منتشر شده است که نویسنده در آن، به گونه‌های مختلف اقتباس‌های قرآنی اعم از اقتباس جزئی، متغیر، اشاره‌ای و استنباطی پرداخته است. درباره نظریه بینامتنیت نیز کتاب‌ها و مقاله‌هایی گوناگون نوشته شده که از آن جمله است کتاب کلام، مکالمه و رمان، نوشته ژولیا کریستوا و ترجمه پیام یزدان‌جو، و بینامتنیت، نوشته آلن گراهام و ترجمه پیام یزدان‌جو، و از اثر به متن، نوشته رولان بارت و ترجمه مراد فرهادپور، ماهیه‌التناص، قرائه فی اشکالیاة التقديمیه، نوشته عبدالستار اسدی؛ اما درباره بازتاب آیه‌های قرآنی در خطبه‌های نهج البلاغه و تحلیل آن براساس نظریه بینامتنی، تا آنجا که نگارنده این مقاله جستجو کرده، پژوهشی صورت نگرفته است.

۳. نظریه بینامتنی

شیوه‌های نوین نقد که تحت تأثیر زبان‌شناسی ظهور کرده‌اند، بیشتر از نوع متن‌محورند. بررسی نظریه‌های نقدی متن‌محور نشان می‌دهد که گروهی متن را یک واحد بسته می‌انگارند که تنها به وسیله خود متن، قابل فهم است و گروهی متن را یک واحد باز می‌دانند که با دیگر متون در تعامل است. این، همان تناص یا بینامتنیت است و این نظریه را متفکرانی همچون میخائیل باختین و ژولیا کریستوا بیان کردند. آن‌ها معتقد بودند «هر متنی به منزله جذب و دگرگون‌سازی متنی دیگر است» (کریستوا، ۱۳۸۱ش: ۴۴) و به تعبیری دیگر، هر متن، جای‌گشتی از متن‌ها و محل تلاقی گفته‌هایی متعدد است که یکدیگر را خنثی می‌کنند. (آلن، ۱۳۸۰ش: ۵۳).

این تعریف از بینامتنی که براساس آن، هر متن، برگرفته و تحولی از بسیاری متن‌های دیگر است، دو اصطلاح متن حاضر و متن غایب (پنهان) را وارد مباحث بینامتنی کرد. متن موجود را متن حاضر و متن‌هایی را که با متن کنونی تعامل دارند، متن غایب می‌نامند (موسی، ۲۰۰۰م: ۵۲).

رولان بارت فرانسوی متن جدید را حاصل اجتماع اجزای متون پیشین دانسته و آن را برای هر متنی، حتمی و اجتناب‌ناپذیر شمرده است. از نظر وی، هر متن، بافتی جدید است که تاروپود آن از نقل قول‌های گذشتگان تنیده شده است (بروئل، ۱۳۷۸ ش: ۳۷۴).

محمد بنیس، منتقد ادبی معاصر عرب نیز متن حاضر را ساختاری لغوی دانسته است که با متون دیگر در ارتباط است و با شناخت این ارتباط می‌توان متن را تفسیر کرد. به اعتقاد او، هر متن همچون شبکه و دامی دربرگیرنده متون دیگر است و این متون چنان در هم تنیده و با هم آمیخته‌اند که تشخیص دادن آن متون از متن حاضر، ممکن نیست (بنیس، ۱۹۷۹ م: ۲۵۱). ابراهیم رمانی نیز با محمد بنیس در این تعریف، هم‌داستان است. او بینامتنی را مجموعه‌ای از متون پنهان در متن حاضر دانسته است که به صورت پنهانی، باعث ایجاد متن حاضر شده‌اند (رمانی، ۱۹۸۸ م: ۴۸).

۴. روابط بینامتنی

از مباحثی که گذشت، این نتیجه به دست می‌آید که بینامتنیت، دارای سه رکن اصلی است: متن پنهان، متن حاضر و روابط بینامتنی. انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر، روابط بینامتنی نام دارد و مهم‌ترین رکن نظریه بینامتنی در تفسیر متون به‌شمار می‌رود. بازآفرینی متن پنهان یا حضور آن در متن حاضر، به سه صورت انجام می‌گیرد که از آن، با عنوان قواعد سه‌گانه بینامتنی یاد می‌شود: قاعده نفی جزئی، قاعده نفی متوازی و قاعده نفی کلی (موسی، ۲۰۰۰ م: ۵۵). این قواعد سه‌گانه، روابط بین متن حاضر و متن غایب را تفسیر می‌کنند:

الف) نفی جزئی: در این نوع از روابط بینامتنی، نویسنده یا شاعر، جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و کمتر نوآوری می‌کند (عزام، ۲۰۰۵ م: ۱۱۶). متن برگرفته از متن غایب می‌تواند یک کلمه یا جمله یا یک عبارت باشد.

ب) نفی متوازی: این نوع از روابط بینامتنی، از نوع قبلی برتر است و در آن، متن پنهان با متن حاضر در هم می‌آمیزد و به صورتی در متن حاضر به کار می‌رود که جوهره آن تغییر نمی‌کند (موسی، ۲۰۰۰ م: ۵۵).

ج) نفی کلی: این نوع از روابط، بالاترین درجه بینامتنیت است و به خوانشی آگاهانه و عمیق نیاز دارد تا بتوان متن پنهان را درک کرد؛ زیرا نویسنده یا شاعر در این نوع از روابط، متن پنهان را کاملاً بازآفرینی می‌کند به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌رود و معمولاً این مسئله بدون تکلف و ناخودآگاه روی می‌دهد (وعدالله، ۲۰۰۵: ۳۷). این سه نوع رابطه بین متن پنهان و متن حاضر، مهم‌ترین بخش بینامتنیت است که روابط بینامتنی آن را تبیین می‌کند.

در تبیین روابط بینامتنی قرآن با خطبه‌های امام علی (ع)، متن قرآنی، متن غایب و خطبه‌های نهج‌البلاغه، متن حاضر است و روابط بینامتنی، تعامل این دو متن را روشن می‌کنند. فراوانی تعامل کلام امام (ع) با قرآن کریم، از ویژگی‌های برجسته نهج‌البلاغه به‌شمار می‌رود و این مسئله نشان می‌دهد که امام (ع) از متن قرآن، آگاهانه استفاده کرده است تا بتواند مقصود خود را بهتر، جذاب‌تر و تأثیرگذارتر بیان کند.

۵. بینامتنیت قرآن در خطبه‌های نهج‌البلاغه

خطبه‌های نهج‌البلاغه به گونه‌هایی مختلف با قرآن ارتباط دارند که در اینجا، به آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۵. بینامتنی ترکیبی

در این نوع روابط بینامتنی، شاعر یا نویسنده جزئی از آیه یا کل آن را در متن خود می‌آورد. این نوع از بینامتنیت خود به دو گونه تقسیم می‌شود:

۱-۱-۵. نوع اول

در نوع اول، عین متن قرآنی بدون هیچ تغییری در متن حاضر آمده و در همان معنای آیه قرآنی به کار رفته است. این نوع از بینامتنیت به‌طوری چشم‌گیر، در خطبه‌های نهج‌البلاغه به کار رفته است و در اینجا، به ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده می‌کنیم:

متن حاضر: امام علی (ع) در نکوهش کوفیان و بیان سستی و کاهلی آنان هنگام رویارویی با دشمن فرموده است: «ثُمَّ خَرَجَ إِلَىٰ مَنْكُمْ جُنَيْدٌ مُتَذَانِبٌ ضَعِيفٌ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَ هُمْ يَنْظُرُونَ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۹)؛ یعنی: آن‌گاه سپاهی اندک، مضطرب و پریشان‌حال برای مقابله کردن با

دشمن، از میان شما بیرون آمد. گویی آن‌ها درحالی که نگاه می‌کنند، به سوی مرگ رانده می‌شوند.

متن غایب: «يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَ هُمْ يَنْظُرُونَ» (قرآن، انفال: ۶)؛ یعنی: پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می‌کنند. گویی درحالی که مرگ را با چشم خود می‌نگرند، به سوی آن رانده می‌شوند.

رابطه بینامتنی: در متن حاضر، امام (ع) کوفیان و سستی آنان در پیکار با دشمنان و عزیمت به جنگ را به کسانی تشبیه کرده که به اجبار، به سوی مرگ رانده می‌شوند؛ درحالی که مرگ را پیش‌روی خود می‌بینند؛ ولی در متن غایب، مخالفت برخی مسلمانان با شرکت در جنگ بدر و ترسی که وجودشان را فرا گرفته بود، به حالت کسانی تشبیه شده که «گویی به سوی مرگ رانده می‌شوند و آن را با چشم خود می‌نگرند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۲۸ / ۲). چنان‌که پیداست، متن پنهان (قرآن)، در متن حاضر (نهج البلاغه) پذیرفته شده و به‌صورتی به کار رفته که جوهره آن تغییر نکرده است؛ بنابراین، رابطه دو متن، از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: امام (ع) هنگام خبردادن از آینده شوم خوارج و تهمت‌های ناروای آنان به آن حضرت فرموده است: «أَبَعْدَ إِيمَانِي بِاللَّهِ وَ جِهَادِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَشْهَدُ عَلَى نَفْسِي بِالْكَفْرِ لَقَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (نهج البلاغه، خطبه ۵۸)؛ یعنی: آیا پس از ایمان آوردنم به خدا و جهادم همراه با رسول خدا، بر کفر خود شهادت دهم؟ بی‌تردید در این صورت، من به راه گم‌راهی رفته و از هدایت‌شدگان نیستم.

متن غایب: «قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَاتَتَّبِعْ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (قرآن، انعام: ۵۶)؛ یعنی: بگو [ای پیامبر] من از پرستش آن خدایان باطل که شما می‌پرستید، منع شده‌ام؛ نیز بگو من از هوس‌های شما پیروی نکنم که در این صورت، من به راه گم‌راهی رفته و از هدایت‌شدگان نیستم.

رابطه بینامتنی: در متن حاضر، روی سخن امام (ع) با خوارج است که به او کفر را نسبت داده و از او خواسته بودند این نسبت ناروا را بپذیرد؛ حال آنکه در متن غایب، روی سخن با مشرکان و بت‌پرستان لجوجی است که گویی از پیامبر دعوت کرده بودند به آیینشان گرایش پیدا کند و

پیامبر در پاسخ به آن‌ها فرمود: من از هوا و هوس‌های شما پیروی نمی‌کنم و اگر چنین کنم، گمراه شده‌ام و از هدایت یافتگان نخواهم بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش: ۱/ ۶۲۷). امام (ع) متن قرآنی را بدون تغییر و با تأکید بیشتر به وسیله لام تأکید در «لقد»، در کلام خود آورده و بدین صورت، نوعی سازش میان متن پنهان و متن حاضر ایجاد کرده است. رابطه دو متن، از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: امام (ع) درباره پرهیز از دنیا فرموده است: «و اتعظوا فیها بالذین قالوا: من أشدُّ منا قوَّةً» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۱)؛ یعنی: و در این دنیا، از سخن کسانی که گفتند چه کسی از ما نیرومندتر است، پند بگیرد.

متن غایب: «فأما عادٌ فاستكبروا فی الأرضِ بغيرِ الحقِّ و قالوا من أشدُّ منا قوَّةً» (قرآن، فُصِّلَتْ: ۱۵)؛ یعنی: اما قوم عاد به ناحق، بر روی زمین، کبر ورزیدند و گفتند چه کسی از ما نیرومندتر است. رابطه بینامتنی: امام (ع) جمله «قالوا من أشدُّ منا قوَّةً» را دقیقاً با همان لفظ و معنای متن قرآنی در کلام خود به کار برده و از دنیاپرستان خواسته است از سرنوشت قوم عاد که می‌پنداشتند در اوج قدرت هستند، پند بگیرند. ارتباط بین دو متن، از نوع نفی جزئی است.

متن حاضر: امام (ع) در جایی دیگر، در تحذیر از دنیا فرموده است: «أیمُّ الله ما كان قومٌ قطُّ فی غَضٍّ نَعَمٍ من عَیشٍ فزال عنهم إلا بذنوبٍ اجترحوها لأنَّ اللهَ لیسَ بظلامٍ للعبید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸)؛ یعنی: به خدا سوگند یاد می‌کنم که هیچ‌گاه چنین نبوده که قومی در ناز و نعمت و زندگی خوب و تروتازه بوده باشند؛ سپس آن‌نوع زندگی از آنان گرفته شده باشد؛ جز اینکه این امر به علت گناهانی بوده که آن قوم مرتکب گردیده‌اند؛ چرا که خداوند هرگز نسبت به بندگان خود ستمکار نیست.

متن غایب: «و أنَّ اللهَ لیسَ بظلامٍ للعبید» (قرآن، آل عمران: ۱۸۲، انفال: ۵۱، حج: ۱۰). رابطه بینامتنی: چنان که پیداست، امام (ع) عبارت «أَنَّ اللهَ لیسَ بظلامٍ للعبید» را دقیقاً با همان لفظ و معنا به کار برده است؛ بنابراین، رابطه متن حاضر و متن پنهان، از نوع نفی جزئی است؛ البته معنای یادشده، در آیه‌هایی دیگری از قرآن هم به کار رفته است؛ مثل: «و ما أنا بظلامٍ للعبید» (قرآن، ق: ۲۹)؛ «و ما اللهُ یریدُ ظلماً للعباد» (قرآن، غافر: ۳۱).

متن حاضر: «يا هَمَامُ اتَّقِ اللَّهَ وَ أَحْسِنِ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)؛ یعنی: ای همام! از خشم خدا بپرهیز و نیکوکار باش؛ پس به راستی خدا با کسانی است که بپرهیزکارند و با کسانی است که کار نیک انجام می‌دهند.

متن غایب: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (قرآن، نحل: ۱۲۸).

رابطه بینامتنی: امام علی (ع) متن غایب را با همان لفظ و معنا در کلام خود به کار برده است؛ با این تفاوت که در قرآن، روی سخن با پیامبر بزرگوار اسلام (ص) است و خداوند متعال آن حضرت را به صبر و تقوا فراخوانده است؛ ولی روی سخن امام (ع) با همام است. رابطه دو متن از نوع نفی جزئی است.

متن حاضر: امام (ع) در ترسیم سیمای منافقان فرموده است: «فَهُمْ لَمَّةُ الشَّيْطَانِ وَ حُمَّةُ النَّيْرَانِ أَوْلَتْكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵)؛ یعنی: آنان یاران شیطان و به منزله زبانه و نیش آتش هستند [که همه چیز را می‌سوزانند]. این‌ها پیروان شیطان‌اند. بدانید که پیروان شیطان، زیان‌کاران‌اند.

متن غایب: «استحذو عليهم الشيطان فأنساهم ذكر الله أولئك حزب الشيطان ألا إن حزب الشيطان هم الخاسرون» (قرآن، مجادله: ۳۱).

رابطه بینامتنی: در هردو متن، فرجام کار منافقان بیان شده است و از آنجا که متن قرآنی، بدون هیچ‌گونه تغییر در لفظ و معنا، در متن حاضر به کار رفته، بینامتنیت از نوع نفی جزئی است.

متن حاضر: امام (ع) در بیان جایگاه نماز فرموده است: «تَقَرَّبُوا بِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى جِوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سَأَلُوا: مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِينَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹)؛ یعنی: به وسیله آن، به خدا نزدیک شوید و تقرب جوید؛ زیرا نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است. آیا پاسخ دوزخیان را به این پرسش که «چه چیزی شما را راهی دوزخ کرد؟»، شنیده‌اید که گفتند: «ما از نمازگزاران نبودیم»؟

متن غایب: «فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مَوْقُوتًا». (قرآن، نساء: ۱۰۳) و «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِينَ» (قرآن، مدثر: ۴۲ و ۴۳).

رابطه بینامتنی: امام (ع) متن پنهان را به گونه‌ای در کلام خود به کار برده است که جوهره آن تغییر نکرده و بین متن پنهان و متن حاضر، نوعی سازش ایجاد شده است. آن حضرت با ظرافتی خاص، آیه‌هایی از دو سوره را در کلام خود آورده و از معنای آن دفاع کرده است؛ بدین صورت، رابطه دو متن، از نوع نفی متوازی است.

۲-۱-۵. نوع دوم

نوع دوم بینامتنیت ترکیبی، آن است که نویسنده یا گوینده، بخشی از آیه قرآنی را با ساختاری تغییر یافته در لایه صرفی یا نحوی، در سخن خود به کار بگیرد و بدین وسیله، به شکل‌های گوناگون، در ساختار دخل و تصرف کند. گاه با افزودن و گاه با کاستن، دمی با تغییر و دمی با تأخیر (عباس زاده، ۱۳۸۹ش: ۳). بخشی از بینامتنیت قرآن با نهج البلاغه، از این دست است که حضرت با ایجاد تغییرهایی در ساختارهای قرآنی، آن‌ها را به سبک خود در خطبه‌هایش به کار گرفته است. در اینجا، نمونه‌هایی را از این نوع ذکر می‌کنیم:

متن حاضر: امام (ع) در بیان علم الهی فرموده است: «فَإِنَّ اللَّهَ - سُبْحَانَهُ - لَمْ يَخْلُقْكُمْ عِبْتًا و لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدىً» (نهج البلاغه، خطبه ۸۶)؛ یعنی: بی‌گمان، خداوند شما را بیهوده نیافریده و بیهوده رها نکرده. متن غایب: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عِبْتًا و أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَاتَرْجِعُونَ» (قرآن، مؤمنون: ۱۱۵) و «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدىً» (قرآن، قیامه: ۳۶).

رابطه بینامتنی: امام (ع) عین متن قرآنی را با همان معنا در کلام خود به کار گرفته است؛ با این تفاوت که عبارت «خَلَقْنَاكُمْ عِبْتًا» را از صورت متکلم به شکل غایب «لَمْ يَخْلُقْكُمْ» تغییر داده و به جای ادات حصر «أَنَّمَا»، ادات نفی «لَمْ» را آورده و فعل مجهول «يُتْرَكَ» را به صورت معلوم منفی «لَمْ يَتْرُكْ» به کار برده است؛ بنابراین، رابطه دو متن، از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: امام (ع) در خطبه ۸۶ در توصیف علم الهی فرموده است: «و قَدَّمَ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ و أُنذِرْكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ»؛ یعنی: و بیم از عذاب را در مقابل شما قرار داد و شما را از عذابی شدید که در پیش رو دارید، ترسانید.

متن غایب: «إن هو إلا نذيرٌ لكم بين يدي عذابٍ شديدٍ» (قرآن، سبأ: ۴۶)؛ یعنی: او [پیامبر (ص)] غیر از بیم‌دهنده‌ای برای شما در مقابل عذاب شدیدی که در پیش دارید، کس دیگری نیست. رابطه بینامتنی: متن پنهان با اندک تغییری در کلام امام (ع) به کار رفته است؛ بدین گونه که به جای «نذیر لکم» که فاعل آن، پیامبر (ص) است، فعل «أُنذِرکم» را به کار برده که فاعل آن، خداوند متعال است؛ بنابراین، ارتباط بین دو متن، از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: امام (ع) در خطبه ۸۵، در بیان نعمت بعثت نبوی فرموده است: «فبالغِ في النَّصِيحَةِ و مَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ و دعا إلى الحِكمَةِ و الموعظةِ الحسنةِ»؛ یعنی: پس پیامبر (ص) در نصیحت کردن، کوشش بسیار کرد و به راه راست و درست الهی رفت و به حکمت و موعظه نیکو دعوت نمود. متن غایب: «أُدْعُ إلى سبيلِ رَبِّكَ بالحِكمَةِ و الموعظةِ الحسنةِ» (قرآن، نحل: ۱۲۵)؛ یعنی: با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما.

رابطه بینامتنی: در متن حاضر، به جای فعل امر «أُدْعُ»، فعل ماضی «دعا» به کار رفته و جار و مجرور (إلى سبيل) حذف شده است؛ بنابراین، ارتباط دو متن، از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: امام (ع) در بیان علت‌های پذیرش حکمت فرموده است: «أما و الله لو أني حين أمرتكم بما أمرتكم به حملتكم على المكروه الذي يجعل الله فيه خيراً» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱)؛ یعنی: آگاه باشید به خدا قسم اگر من در آن وقت که انجام دستوری را به شما فرمان دادم، شما را به کاری وادار ساختم که از آن کراهت داشتید، خداوند خیر و صلاح شما را در آن قرار می‌دهد. متن غایب: «فإن کرهتُموهنَّ فعسى أن تکرهوا شيئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً» (قرآن، نساء: ۱۹)؛ یعنی: و اگر از آنان (زنانتان) کراهت داشتید، [فوراً تصمیم به جدایی نگیرید]؛ چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد.

رابطه بینامتنی: امام (ع) در کلام بالا، به مخالفت خویش با توقف جنگ با معاویه و اصرار بر ادامه دادن جنگ با او اشاره کرده و گفته است: چه بسا در ادامه جنگی که موردپسند شما نیست، خیر و برکت فراوانی باشد. آیه یادشده نیز دقیقاً به همین معنا اشاره می‌کند؛ با این تفاوت که خداوند متعال در اینجا، از کسانی که تصمیم دارند از زنانشان جدا شوند، خواسته است در طلاق عجله نکنند؛ زیرا تعلق در طلاق، خوشایند نیست؛ ولی در نهایت، به نفع دو طرف تمام خواهد شد؛

بدین ترتیب، رابطه متن حاضر با متن پنهان، از نوع نفی کلی است که بالاترین درجه بینامتنیت محسوب می‌شود؛ زیرا کلام امام (ع) در معنایی دیگر به کار رفته و امام آن را در معنای مورد نظر خود بازآفرینی کرده است.

متن حاضر: امام (ع) در خطبه ۱۳۰، هنگام تبعید ابوذر غفاری به منطقه ربذه در نزدیکی مدینه، خطاب به او فرموده است: «و لو أَنَّ السَّمَوَاتِ و الْأَرْضِينَ كَانَتْ عَلَى عَبْدِ رَتَقًا ثُمَّ أَتَقَى اللَّهُ لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجًا»؛ یعنی: و اگر راه‌های آسمان‌ها و زمین‌ها بر روی بنده‌ای از بندگان خدا بسته باشد، آن‌گاه آن بنده تقوا پیشه کند، هر آینه خداوند برای او، راه خروجی از آن دو قرار خواهد داد.

متن غایب: «و مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (قرآن، طلاق: ۲).

رابطه بینامتنی: خداوند متعال در آیه‌های قبل از آیه یادشده، درباره احکام طلاق سخن گفته است و چون گاه مسائل مربوط به زندگی آینده یا دیگر گرفتاری‌های خانوادگی سبب می‌شود زن و شوهر هنگام طلاق یا رجوع، و یا دو گواه طلاق هنگام شهادت‌دادن، از جاده حق و عدالت منحرف شوند، در پایان آیه فرموده است: «و هر کس تقوا پیشه سازد، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند»؛ اما امام علی (ع) همین معنا را خطاب به ابوذر به کار برده و از او خواسته است با تقوای الهی، سختی‌های ناشی از تبعید را تحمل کند؛ زیرا خداوند متعال در نهایت، راه نجاتی برای او فراهم خواهد آورد؛ بنابراین، رابطه دو متن، از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: امام (ع) در بیان فلسفه و دلایل عقلی حج فرموده است: «الْآتُونَ أَنْ اللَّهَ - سُبْحَانَهُ - اخْتَبَرُوا الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تُبْصِرُ وَ لَا تُبْصَرُ وَ لَا تُبْصِرُ وَ لَا تُبْصَرُ، فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)؛ یعنی: آیا نمی‌بینید که خداوند سبحان، مردمان را از زمان آدم (ع) تا آخرین کس از این جهان، با سنگ‌هایی آزمود که نه زبانی وارد می‌سازند و نه سودی می‌رسانند و نه می‌بینند و نه می‌شنوند؟ آن سنگ‌ها را خانه محترم و مقدس خود قرار داد تا به عبادت قیام کنند و به انجام مناسک حج بپردازند.

متن غایب: «جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس» (قرآن، مائده: ۹۷).

رابطه بینامتنی: متن غایب با اندکی تغییر، و تقدیم و تأخیر در متن حاضر به کار رفته است؛ بنابراین، رابطه بینامتنی یادشده، از نوع نفی متوازی است که در آن، متن غایب به طور مستقیم و با همان مضمون، در متن حاضر به کار رفته و با آن، پیوندی آگاهانه برقرار کرده است.

۲-۵. بینامتنی واژگانی

الفاظ، ماده اولیه‌ای است که هر ادیبی به وسیله آن، تصویرهای ذهنی خود را بیان می‌کند. قرآن، منبع و سرچشمه‌ای غنی است که امام علی (ع) واژگان، تصویرها، معانی و مضامین والای نهج البلاغه را از آن الهام گرفته است؛ علاوه بر آن، دیگر منابع اسلامی همچون احادیث نیز در غنای مضمون نهج البلاغه، نقشی عمده دارند. در اینجا، به صورت مختصر، نمونه‌هایی را از حضور واژگان قرآنی در نهج البلاغه ذکر می‌کنیم:

متن حاضر: امام علی (ع) درباره لزوم عبرت‌گیری از گذشتگان و تصویر قیامت فرموده است: «و كَانُ الصَّيْحَةَ قَدْ أَتَتْكُمْ وَ السَّاعَةُ غَشِيَتْكُمْ وَ بَرَزْتُمْ لِفَصْلِ الْقَضَاءِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷)؛ یعنی: تو گویی که صیحه (یعنی فریادی که از روز قیامت خبر می‌دهد) به شما رسیده و قیامت شما را فراگرفته و برای فیصله‌یافتن و جداسدن اعمال نیک و بدتان درمقابل عدل الهی، نمایان و حاضر شده‌اید.

متن غایب: «إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ» (قرآن، یس: ۵۳)؛ یعنی: این فقط یک فریاد آسمانی است و ناگهان همگی آن‌ها نزد ما حاضر شده‌اند؛ «اقتربت الساعة» (قرآن، قمر: ۱)؛ یعنی: قیامت نزدیک شد.

رابطه بینامتنی: واژه‌های «صیحه» و «ساعه» در متن حاضر، با الهام‌گیری از متن پنهان، به معنای ندای قیامت به کار رفته است و این بینامتنیت، از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: امام (ع) در بیان راه‌های خداشناسی و نیز تبیین شواهد و علائم آفرینش کائنات از سوی خداوند متعال فرموده است: «و لَوْلَا إِقْرَارُهُنَّ لُهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ إِذْعَانُهُنَّ بِالطَّوَاعِيَةِ لَمَا جَعَلَهُنَّ مَوْضِعًا لِعَرْشِهِ وَ لَا مَسْكَنًا لِمَلَائِكَتِهِ وَ لَا مَصْعَدًا لِلْكَوْكَبِ الطَّيِّبِ وَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ مِنْ خَلْقِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)؛ یعنی: اگر اقرار آن‌ها (آسمان‌ها) به پروردگاری او و فرمان‌بری و اعترافشان به خداوندی او نبود،

هرآینه، آن‌ها را محل عرش خود و مسکن فرشتگان خود و جای بالارفتن سخنان پاکیزه و اعمال نیک مخلوقات خود قرار نمی داد.

متن غایب: «فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (قرآن، فاطر: ۱۰)؛ یعنی: عزت از آن خداست و کلمات نیکو به سوی او بالا رود و عمل نیک، آن را بالا برد.

رابطه بینامتنی: امام (ع) واژگان عبارت «مصعد الكلم الطيب و العمل الصالح» را از متن قرآنی الهام گرفته و با اندک تغییری، آن‌ها را در کلام خود به کار برده و از این ره گذر، بینامتنیتی از نوع نفی متوازی خلق کرده است.

متن حاضر: امام (ع) در ترسیم سیمای متقین فرموده است: «يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فِكَاكِ رِقَابِهِمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)؛ یعنی: از خدای متعال، آزادی خود را [از آتش دوزخ] درخواست می کنند.

متن غایب: «و من قتل مؤمناً خطأً فتنحیر رقبته مؤمناً» (قرآن، نساء: ۹۲).

رابطه بینامتنی: ترکیب اضافی «فی فکاک رقابهم» که به معنای باز کردن و رها کردن از قید و بندگی است، به مفهوم آزاد کردن به کار رفته است. امام این تعبیر را از عبارت قرآنی «تنحیر رقبه» اقتباس کرده و به جای واژه «تنحیر»، مترادف آن، یعنی «فکاک» را به کار برده است؛ بدین ترتیب، بینامتنیت موجود در متن، از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: امام (ع) در خطبه ۲۲۲، درباره نتایج ذکر خداوند متعال فرموده است: «فاستحصبوا بنور یقظة فی الأسماعِ و الأبصارِ و الأفتدةِ یذکرونَ بأیامِ الله و یخوفونَ مقامه»؛ یعنی: با نوری که در اثر بیداری و بصیرت، در گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌های ایشان پدیدار گشته بود، کسب روشنایی می کردند ایشان روزهای خدا (ایام الله) را به یاد مردم می آوردند و آن‌ها را از عظمت مقام او می ترسانیدند.

متن غایب: «و لقد أرسلنا موسی بآیاتنا أن أخرج قومک من الظلماتِ إلى النور و ذکرهم بأیامِ الله» (قرآن، ابراهیم: ۵)؛ «قل للذین آمنوا یغفروا للذین لا یرجونَ آیامَ الله» (قرآن، جاثیه: ۱۴).

رابطه بینامتنی: «ایام الله» عبارت از روزهایی است که فصلی تازه در زندگی انسان‌ها گشوده و درس عبرتی به آن‌ها داده شده است و در آن‌ها، ظهور و قیام پیامبری روی داده یا طاغوت و فرعون‌گری کردن‌کش به قعر دره نیستی فرستاده شده است. به‌طور کلی، هر روزی که در آن، حق و عدالتی برپا شده و ظلم و بدعتی از میان رفته، مصداق «ایام الله» است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲/ ۴۷۸). گاه مقصود از «ایام الله»، روزهایی است که در آن‌ها، قومی از بلا نجات یافتند یا به نعمتی رسیدند و گاه مقصود، روزهایی است که گروهی خطاکار به کیفر اعمالشان گرفتار شدند یا گرفتار خواهند شد. امام (ع) این تعبیر را به معنای دوم به کار برده و بینامتنیتی از نوع نفی متوازی خلق کرده است.

۳-۵. بینامتنی مضمون

در گونه‌های پیشین، حضور متن غایب در متن حاضر، کم‌وبیش بامحوریت لفظ بود؛ اما در این گونه از روابط بینامتنی، نویسنده یا گوینده با الهام گرفتن از آیه‌ای قرآنی و پس از دریافت مضمون، مفهوم آن را با الفاظ و تعبیرهای خود بیان می‌کند؛ به گونه‌ای که خواننده حضور لفظی محسوس یا ذکر صریح را از قرآن نمی‌بیند. در اینجا، نمونه‌هایی را از این گونه بینامتنیت ذکر می‌کنیم:

متن حاضر: امام (ع) خطبه معروف به «جهاد» را با بیان اهمیت و جایگاه جهاد و ذکر پیامدهای ناگوار و انهدان آن آغاز کرده و فرموده است: «و قد دعوتُکم إلى حربٍ هؤلاءِ القومِ لیلاً و نهاراً»؛ یعنی: من شما را شب و روز، به پیکار با این قوم فراخواندم.

متن غایب: «ربِّ اِنِّی دعوتُ قومی لیلاً و نهاراً» (قرآن، نوح: ۵)؛ یعنی: پروردگارا من قوم خود را شب و روز، [به سوی تو] دعوت کردم.

رابطه بینامتنی: در کلام امام (ع)، بحث از فراخواندن مردم به جهاد در راه خدا به وسیله آن حضرت است و در آیه قرآنی، بحث از دعوت مردم به وسیله حضرت نوح (ع) به خداپرستی است. امام (ع) با به کارگیری مضمون قرآنی، رنج و دردهای خود را به تصویر کشیده و جایگاه خود در میان این قوم نادان و سست‌پیمان را با جایگاه حضرت نوح (ع) در قوم خود مقایسه کرده است؛

بدین وسیله، بین دو متن ارتباط برقرار کرده و خواننده را لحظه‌ای، به فضای داستان حضرت نوح برده و از این ره گذر، بینامتنیتی از نوع نفی متوازی خلق کرده است.

متن حاضر: امام (ع) در خطبه ۶۵، در بیان صفت‌های خداوند متعال فرموده است: «وکلُّ مالکٍ غیره مملوکٌ وکلُّ عالمٍ غیره متعلّمٌ»؛ یعنی: هر مالک و فرمان‌روایی جز او، برده و مملوک است و هر استادی جز او شاگرد.

متن غایب: «و فوق کل ذی علمٍ علیمٌ» (قرآن، یوسف: ۷۶).

رابطه بینامتنی: امام (ع) مضمون عبارت «کلُّ عالمٍ غیره متعلّمٌ» را دقیقاً از آیه قرآنی اقتباس کرده و بدین صورت، بین متن حاضر و متن غایب، نوعی تعامل آگاهانه برقرار کرده و بینامتنیتی از نوع نفی متوازی خلق کرده است.

متن حاضر: امام (ع) در بیان اوصاف پیامبر (ص) فرموده است: «فهو أمینک المأمونُ و خازنُ علیک المخزون و شهیدک یومَ الدین» (نهج البلاغه، خطبه ۷۲)؛ یعنی: او امین و مورد اعتماد توست و خزانه‌دار علمی است که جز به کسانی که اراده‌ات تعلق گیرد، به کس دیگری عطا نمی‌فرماید و شاهد و گواه تو است در روز جزا.

متن غایب: «فکیف إذا جئنا من کلِّ أمةٍ بشهیدٍ و جئنا بک علی هولاء شهیداً» (قرآن، نساء: ۴۱)؛ یعنی: حال آنان چگونه است آن روزی که از هر امتی، گواهی [بر اعمالشان] می‌آوریم و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟؛ یعنی علاوه بر گواهی اعضای پیکر آدمی و گواهی زمینی که بر آن زیست کرده و گواهی فرشتگان خدا بر اعمال او، هر پیامبری نیز گواه اعمال امت خویش است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش: ۱/۴۲۸).

رابطه بینامتنی: امام علی (ع) مضمون عبارت «و شهیدک یومَ الدین» را که منظور از آن، گواهی پیامبر در روز قیامت بر اعمال امت خویش است، از عبارت قرآنی «و جئنا بک علی هولاء شهیداً» اقتباس کرده و آن را در کلام خود به کار گرفته و از این ره گذر، بین دو متن، ارتباطی استوار برقرار کرده و تناسبی از نوع نفی متوازی خلق کرده است.

متن حاضر: امام (ع) در ستایش پروردگار متعال فرموده است: «الباطن لکل خفیه الحاضر لکل سریره العالم بما تکن الصدورُ و ما تخون العیونُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲)؛ یعنی: خدایی که واقف بر

هر امر نهانی و آگاه از هر رازی است، خدایی که عالم است به آنچه سینه‌ها آن را در خود نگاه می‌دارند و دانا به آنچه چشم‌ها خیانت می‌کند.

متن غایب: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (قرآن، غافر: ۱۹)؛ یعنی: خداوند به خیانت چشم‌ها و آنچه که در سینه‌هاست، آگاه است.

رابطه بینامتنی: امام (ع) آگاهی خداوند متعال را از راز درون سینه‌ها و خیانت دیده‌ها، با عبارت «العالمُ بما تَكُنُّ الصُّدُورُ وَمَا تُخُونُ الْعْيُونَ» بیان کرده است. این مضمون، عیناً در متن قرآنی هم آمده و رابطه بین سخن امام و آیه قرآن، از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: حضرت (ع) در خطبه ۱۵۶، در پاسخ مردی که از او درباره فتنه پرسیده، فرموده است: «عَلِمْتُ أَنَّ الْفِتْنَةَ لَا تَنْزِلُ بِنَا وَرَسُولِ اللَّهِ (ص) بَيْنَ أَظْهُرِنَا»؛ یعنی: من دانستم تا رسول خدا بین ما است، فتنه بر ما فرود نمی‌آید.

متن غایب: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» (قرآن، انفال: ۳۳)؛ یعنی: ولی خدا تا تو در میان آن‌ها هستی، آنان را به عذاب گرفتار نخواهد کرد.

رابطه بینامتنی: متن پنهان درباره مخالفان پیامبر (ص) است که می‌گفتند: اگر آیات قرآن، حق و از طرف خداست، پس باید ما را مجازات کند و بر ما بلا فرود آورد، و قرآن در پاسخ آنان فرموده است: «وَلِي [ای پیامبر!] تا تو در میان آن‌ها هستی، خداوند آن‌ها را مجازات نخواهد کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش: ۲ / ۱۴۶). امام (ع) نیز دقیقاً همین مضمون را در کلام خود و در راستای هدف مورد نظرش، با الفاظی دیگر به کار برده و بین متن حاضر و متن پنهان، نوعی سازش ایجاد کرده است؛ بنابراین، ارتباط بین دو متن، از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: امام (ع) در خطبه ۱۹۹، پس از ذکر جایگاه و اهمیت نماز، به لزوم امانت‌داری و حمل امانت الهی از سوی انسان پرداخته و فرموده است: «ثُمَّ أَدَاءَ الْإِمَانَةِ فَقَدْ خَابَ مَنْ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا، إِنَّهَا عُرِضَتْ عَلَى السَّمَاوَاتِ الْمَبْنِيَةِ وَالْأَرْضِينَ الْمَدْحُورَةِ وَالْجِبَالِ ذَاتِ الطُّوْلِ الْمَنْصُوبَةِ... وَعَقَلْنَ مَا جَهَلْنَ مِنْ هُوَ أَوْضَعُ مِنْهُنَّ وَهُوَ الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»؛ یعنی: [پس از نماز و زکات،] امانت‌داری قرار دارد که هر کس امانت‌دار نباشد، بی‌تردید، به مقصود و خواسته خود نمی‌رسد. همانا امانت بر آسمان‌های بناشده و زمین‌های پهناور و کوه‌های طولانی و پابرجا عرضه شد. [امتناع کردند] و

آن‌ها چیزی را دانستند و درک کردند که موجودی ضعیف‌تر از آن‌ها، یعنی انسان آن را ندانسته و درک نکرد. به‌راستی که انسان، بسیار ستمگر و نادان است.

متن غایب: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (قرآن، احزاب: ۷۲).

رابطه بینامتنی: منظور از امانت الهی همان قابلیت تکامل به‌صورت نامحدود و آمیخته با اختیار، رسیدن به مقام انسان کامل و بنده خاص خدا، و پذیرش ولایت الهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش: ۳/۶۴۸). امام (ع) این مضمون را به‌زیبایی در کلام خود به‌کار گرفته و توانسته است آن را در راستای هدف موردنظر خود به‌کار گیرد؛ بدون اینکه جوهره آن را تغییر دهد؛ بنابراین، رابطه بین متن پنهان و متن حاضر، از نوع نفی متوازی است.

۴-۵. بینامتنی شخصیت‌های قرآنی

در این‌گونه بینامتنیت، گوینده یا نویسنده با اشاره یا نشانه‌ای کوتاه به برخی اشخاص یا حوادث و داستان‌های قرآن و با استفاده از محدود واژگانی از متن غایب، مخاطب را به فضای داستان می‌برد. این‌گونه بینامتنیت در خطبه‌های نهج‌البلاغه، نمودی برجسته دارد که در اینجا، نمونه‌هایی را از آن ذکر می‌کنیم:

متن حاضر: «لَمْ يُوجَسْ مُوسَى (ع) خَيْفَةً عَلَى نَفْسِهِ أَشْفَقَ مِنْ غَلْبَةِ الْجُهَالِ وَ دَوْلِ الضَّلَالِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۴)؛ یعنی: موسی بر خود نترسید؛ بلکه او از چیرگی نادانان و به‌حکومت‌رسیدن گم‌راهان ترسید.

متن غایب: «فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خَيْفَةً مُوسَى» (قرآن، طه: ۶۷)؛ یعنی: موسی در خودش ترسی احساس کرد.

رابطه بینامتنی: متن حاضر، خواننده را به فضای داستان حضرت موسی (ع) و رویارویی او با ساحران می‌برد. هنگامی که جادوگران ریسمان‌ها را به‌صورت مار و اژدها به‌حرکت درآوردند، حضرت موسی (ع) در خود ترسی احساس کرد؛ ولی متن حاضر، ترس و وحشت حضرت موسی (ع) را نه ناشی از سحر ساحران و جان خود، بلکه از غلبه نادانان و گم‌راهان دانسته است؛ بدین

صورت، امام (ع) با اشاره به این داستان، مخاطب را به فضای داستان برده و حوادث آن را در ذهن او بازآفرینی کرده است. رابطه متن حاضر با متن پنهان، از نوع رابطه نفی کلی است که بالاترین درجه بینامتنیت محسوب می‌شود.

متن حاضر: امام (ع) با اشاره به ماجرای اسکان حضرت آدم در بهشت و وسوسه شدن او از سوی ابلیس، هبوط او به زمین و پذیرش توبه‌اش از سوی خداوند فرموده است: «ثم أسكن سبحانه آدم داراً أرغدَ فيها عيشُهُ و آمنَ فيها محلَّتُهُ و حذرَهُ إبليسَ و عداوتَهُ فاغترَّهُ عدوُّهُ نفاسَهُ عليه بدارِ المقامِ و مُرافقه الأبرارِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱)؛ یعنی: آن‌گاه خداوند سبحان، آدم را در سرایی سکونت داد. در آن خانه، زندگی پاکیزه و مرفهی برای وی آماده و محل سکونت او را از هر گزند ایمن ساخت و وی را از ابلیس و دشمنی او با انسان برحذر داشت؛ پس دشمن او (ابلیس) به علت حسد بردن به مقام و مسکن عالی آدم و برای هم‌نشینی او با نیکان، وی را فریب داد.

متن غایب:

و إذا قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس أبى * فقلنا يا آدم إن هذا عدو لك و لزوجك فلا يخرجنكما من الجنة فتشقى * إن لك ألاً تجوع فيها و لاتعرى * و أنك لاتظلم فيها و لاتضحى * فوسوس إليه الشيطان قال يا آدم هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى * فأكلا منها فبدت لهما سواتهما و طفا يخرصان عليهما من ورق الجنة و عصى آدم ربّه فغوى * (قرآن، طه: ۱۱۶ تا ۱۲۱).

رابطه بینامتنی: متن حاضر، خواننده را به فضای داستان و فریفته شدن آدم و حوا به دست شیطان و رانده شدن آن‌دو از بهشت می‌برد و حوادث این داستان قرآنی را در ذهن خواننده بازآفرینی می‌کند. رابطه دو متن، از نوع نفی متوازی است.

۶. نتیجه گیری

از آنچه در این نوشتار گفتیم، نتایج زیر به دست می‌آید:

الف) ارتباط خطبه‌های نهج‌البلاغه به عنوان متن حاضر با قرآن به عنوان متن غایب یا پنهان، بیشتر آگاهانه و از نوع نفی متوازی است و امام (ع) به خوبی توانسته است میان متن پنهان و متن حاضر، سازش ایجاد کند و از معنای آن دفاع کند.

ب) پربسامدترین حضور متن قرآنی در کلام امام (ع) به صورت بینامتنیت ترکیبی و مضمون است و دشوارترین گونه بینامتنیت خطبه‌ها از حیث تشخیص بینامتنیت مضمون است که خواننده در آن، حضور لفظی محسوس یا ذکر صریح از قرآن را نمی‌بیند و کشف آن، نیازمند ژرف‌اندیشی و اشراف بر مفاهیم قرآنی است.

ج) بیشتر روابط بینامتنی موجود در خطبه‌ها به گونه‌ای است که امام (ع) متن قرآنی را در فضایی جدید و برای دلالتی تازه به کار گرفته است.

د) انگیزه امام (ع) از به کارگیری متن قرآنی در کلام خود، استدلال و احتجاج، تفسیر و توضیح، بلاغت‌افزایی و در نتیجه، اثرگذاری بیشتر بر مخاطب است.

منابع

- قرآن کریم.

- آلن، گراهام (۱۳۸۰ش). *بینامتنیت*. ترجمه پیام یزدان‌جو. تهران: نشر مرکز.
- بروئل، پیرو و دیگران (۱۳۷۸ش). *تاریخ ادبیات فرانسه*. ترجمه نسرين خطاط و مهوش قویمی. تهران: سمت.
- بنیس، محمد (۱۹۷۹م). *ظاهره الشعر المعاصر فی المغرب مقاربه بنیویه تکوینیة*. چاپ اول. بیروت: دارالعودة.
- رضی، الشریف ابوالحسن (۱۳۸۱ش). *نهج‌البلاغه*. ترجمه علی‌اصغر فقیهی. چاپ ششم. قم: مشرقین.
- رمانی، ابراهیم (۱۹۸۸م). «النص الغایب فی الشعر العربی الحدیث». *مجله الوحده*. ش. ۴۸.
- عباس‌زاده، حمید (۱۳۸۹ش). «اقتباس‌های قرآنی در نهج‌البلاغه». *فصلنامه مطالعات تفسیری*. س. ۱. ش. ۱. صص ۶۷ تا ۸۳.

- عزام، محمد (۲۰۰۵م). *شعریه الخطاب السودی*. دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- عطا، احمد محمد (۲۰۰۷م). *التناص القرآنی فی شعر جمال الدین بن نباته المصری*. المؤتمر الدولي الرابع لكلية اللسن جامعه المنیا: آوریل.
- کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱ش). *کلام، مکالمه و رمان*. ترجمه پیام یزدان جو. تهران: نشر مرکز.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش). *برگزیده تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- موسی، خلیل (۲۰۰۰م). *قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر*. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- میرزایی، فرامرز و ماشاءالله واحدی (۱۳۸۸ش). «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. ش. ۲۵. صص ۳۰۰ تا ۳۲۲.
- وعدالله، لیدیا (۲۰۰۵م). *التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره*. چاپ اول. دارالمنذلاوی.